

گونه شناسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر ساری

دکتر ابوالقاسم حیدرآبادی^۱، دکتر ابراهیم صالح آبادی^۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی میزان اعتماد اجتماعی و گونه های آن و شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی در شهر ساری است. بدین منظور به بررسی مباحث نظری در خصوص اعتماد اجتماعی پرداخته و از نظریات تونیس و گیدنز جهت چارچوب نظری استفاده شد. از نظر گیدنز اعتماد دارای سه گونه اعتماد بنیادی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد انتزاعی است که تاثیر متغیرهای گزل شافتی بودن جامعه و پایگاه اقتصادی اجتماعی بر گونه های اعتماد مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه مورد مطالعه افراد بالای ۲۰ سال شهر ساری بوده که تعداد ۳۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. پس از بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، با روش پیمایشی اطلاعات لازم جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشانگر آن است که بالا یا پایین بودن پایگاه اقتصادی اجتماعی تاثیری بر میزان اعتماد اجتماعی در جامعه نداشته است. گزل شافتی بودن جامعه و برخورداری از خصوصیات آن، بر اعتماد اجتماعی موثر بوده بدین صورت که هر چه جامعه گزل شافتی تر باشد، اعتماد تعمیم یافته کمتر ولی اعتماد بنیادین و اعتماد انتزاعی در سطح بالایی قرار خواهد داشت. همچنین در بین گونه های اعتماد، اعتماد انتزاعی در مقایسه با دو نوع دیگر از میانگین بیشتری برخوردار بوده که آزمون های شفه و دانکن نیز موید آن است.

کلید واژه ها: اعتماد اجتماعی، گونه های اعتماد، گزل شافتی بودن جامعه، اعتماد انتزاعی

^۱ - استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل heidarabadi1977@yahoo.com

^۲ - استادیار جامعه شناسی دانشگاه پیام نور خراسان شمالی abrahimsalehabadi@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله:

یکی از امور مهم در زندگی اجتماعی انسان ها در جوامع جدید، بحث اعتماد اجتماعی است. این اعتماد دارای معانی مختلفی بوده و از جهات گوناگون دارای اهمیت می باشد. اعتماد گاهی نشانگر جنبه هایی از زندگی اجتماعی و گاهی اوقات نشان دهنده بخشی از شخصیت افراد انسانی است. اهمیت اعتماد به گونه ای است که برخی از صاحب نظران بقا و دوام جوامع و گروه های انسانی را وابسته به آن می دانند. میزان اعتماد اجتماعی در جوامع مختلف دارای تفاوت های زیادی بوده که در این زمینه تبیین های مختلفی صورت گرفته است. از نظر کلمن اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۰۷-۳۰۶ و رحمانی و حیدرآبادی، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و انتزاعی و تخصصی عامل مهمی در پیشرفت جامعه می باشد و لازمه شکل گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجاد کننده تعاون و همیاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می شود. با این وجود بررسی ها نشانگر آنست که نوعی بحران در اساسی ترین شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی بوجود آمده است که مستلزم بررسی دقیق تر و علمی است. اعتماد از موضوعاتی است که در علوم مختلفی مانند جامعه شناسی روانشناسی اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، رفتار سازمانی و تجارت به آن پرداخته می شود. انسان ها از لحظه تولد تا مرگ به اعتماد نیاز دارند و اعتماد همانند حسی است که افراد در خانواده، محیط مدرسه، محیط کاری و در بین دوستان مطالبه می کنند (اردن و اردن، ۲۰۰۹: ۲۱۸۰). از نظر آنتونی گیدنز، جوامع مدرن به نظام های تخصصی اعتماد تکیه می کنند و این بدان معناست که اعتماد کلید رابطه بین فرد و نظام های تخصصی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۲). از آن جا که نظرسنجی های جدید نیز نشان می دهند که کمترین میزان اعتماد جامعه به سازمان های تخصصی و فنی می باشد، این مسأله نشان می دهد که میزان اعتماد به نظام های انتزاعی مانند سازمان های اقتصادی پایین است (عظیمی و ادریسی، ۱۳۸۶: ۱۰).

در بررسی های اکتشافی به عمل آمده مشاهده می گردد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از نظر اندیشمندان و صاحب نظران ایرانی نیز شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در ایران در تمام سطوح دارد. در جامعه جهانی و بویژه ایران به دلایل مختلفی از جمله جوانی جمعیت، و قرار گرفتن در مرحله گذار جامعه، اعتماد و اعتماد اجتماعی از لوازم بقا و پایداری نظام اجتماعی می باشد. کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه، پیامدهای نامطلوبی را در پی خواهد داشت و موجب افزایش بی نظمی، نارضایتی شغلی، بحران هویتی، کم کاری و افزایش بی بند و باری اجتماعی و غیره می شود. در این روزها برخی جملات را می شنویم که نشان از نوعی بحران در اساسی ترین شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی دارد و مستلزم بررسی علمی است. مثلاً در این دوره و زمانه نمی توان به کسی اعتماد کرد، مرجعی برای رسیدگی امور نمی توان دید، همه چیز ظاهری شده و دو رویی و تملق جایگزین یکسری صفات ارزشمند دیگر شده است، به هیچ کس و حتی دوست و آشنا هم نمی توان اعتماد کرد و غیره. اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. «در کشورهای صنعتی و غیر صنعتی، پژوهش ها بیانگر آنست که با کاهش اعتماد اجتماعی، بحران شخصیت و هویت افزایش می یابد» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۴۹). پایین بودن میزان اعتماد در جوامع به حدی است که برخی از اندیشمندان از جمله رابرت پاتنام^۱ (پاتنام، ۱۹۹۵) فرضیه

^۱ - Robert Putnam

زوال اعتماد^۱ را مطرح می کند. بنابراین اعتماد اجتماعی و پایین بودن آن در استان مازندران (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، پهلوان ۱۳۸۵، شارع پور ۱۳۸۶ و مهندسین مشاور مازند طرح ۱۳۸۷) به عنوان یک مساله اجتماعی قابل طرح بوده و مطالعه حاضر در پی شناخت، تحلیل و تبیین عوامل اجتماعی موثر بر اعتماد اجتماعی در استان مازندران (شهر ساری) می باشد.

مبانی نظری:

اعتماد اجتماعی^۲ یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است که زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد. اعتماد اجتماعی، مشارکت را در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه های مختلف جامعه افزایش می دهد.

از نظر آنتونی گیدنز^۳، «اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است. چرا که افراد هر چه فاصله زمانی - مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلمتی محلی و بومی دارند و کنش های متقابل بیشتر در سطح محلی و رو در رو رخ می دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می خورد که نیازی به اعتماد ندارند، زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند» (ریترز، ۱۳۸۰: ۸۲۲).

پیوتر زتومکا^۴ (۲۰۰۳) با بررسی آثار و نوشته های اندیشمندان مختلف، به جنبه های مهم و ضروری اعتماد پرداخته است. وی معتقد است که در جوامع معاصر، ویژگی های منحصر به فردی وجود دارند که منجر به اهمیت و ضرورت یافتن مسئله اعتماد اجتماعی می شوند. به طوری که زندگی در جوامع جدید و معاصر بدون توجه به مسئله اعتماد، امری ناشدنی بوده و توجه به آن و یا اهمیت قائل شدن بدان امری اجتناب ناپذیر است. به طور خلاصه پیوتر زتومکا دلایل اهمیت داشتن اعتماد اجتماعی یا اعتماد به دیگران را در موارد زیر می داند: وجود وابستگی متقابل شدید، آینده نگری، افزایش ابهام و پیچیدگی در نقش ها و گسترش روابط اجتماعی، غیر قابل پیش بینی بودن زندگی، نیاز به انتخاب از بین کنش های گوناگون، رویارویی با ابهام و تیرگی محیط اجتماعی، رشد فزاینده گمنامی و ناشناختگی افراد و در نهایت حضور افراد نا آشنا و غریبه در اطراف ما (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۱-۲۶).

جیمز کلمن (۱۳۷۷) معتقد است که اعتماد اجتماعی یکی از پایه ها و شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی و روابط متقابل اجتماعی است. همچنین امکان برقراری ارتباطات و تسهیل تعاملات در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره را فراهم می سازد و از پیامدهای مهم آن شکوفایی زندگی اجتماعی است. تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی و اتحاد ملی در پرتو رونق تعاملات توأم با اطمینان و اعتماد به هم نوع امکانپذیر می باشد. چرا که از بین رفتن احساس اعتماد، موجب بحران یکپارچگی و به تبع آن بحران و گسست در اتحاد ملی می شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸).

^۱ - Trust Decline

^۲ - Social Trust

^۳ - Antony Giddens

^۴ -Piotr Sztompka

به زعم جامعه شناسان کارکردگرا، اگر انسان با جامعه همدل و هم‌رنگ شود و با ما^۱ بزرگتر، رابطه عاطفی عمیق ایجاد کند: آنگاه افراد، دل‌بسته تر رفتار خواهند کرد. روابط اجتماعی این افراد صرفاً برای رفع حاجات مادی و نیازهای شخصی نخواهد بود. آنها به هم نوع خود به عنوان رقیب یا دشمن نگاه نمی‌کنند، و از اینکه در میان آنها زندگی می‌کند، احساس امنیت می‌کنند و آنگاه این فرایند خود باعث تقویت و اعتماد فی‌مابین شان خواهد شد. هنگامی که «ما» بزرگتر شکل می‌گیرد، انسان‌ها اخلاقی تر می‌شوند، احساس تکلیف و تعهد به جمع می‌کنند و از سر خیرخواهی با دیگران رفتار می‌کنند. این احساس تکلیف بر اساس قیود درونی صورت می‌گیرد نه قیود بیرونی. عمل اخلاقی در اینجا داوطلبانه است و نه از روی اجبار. دامنه این «ما» می‌تواند از سطح خانواده تا سطح کشور گسترش یابد. نقش و عملکرد «ما» می‌تواند در طول زمان و مکان کوچک تر یا بزرگتر شود. (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۹)

رابرت پاتنام تبیین نموده است که از دهه ۷۰ میلادی به بعد در آمریکا اعتماد اجتماعی رو به نقصان نهاده است. به طوری که نسبت افراد معتقد به این که دولت مرکزی گاه قابل اعتماد و یا اصلاً قابل اعتماد نیست از ۳۰ درصد در سال ۱۹۶۶ به ۷۵ درصد در سال ۱۹۹۲ رسیده است. (ریعی، ۱۳۸۵: ۵-۱۶۲).

مفهوم اعتماد اجتماعی یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در حوزه علوم اجتماعی و بال‌اخص جامعه‌شناسی است. این مفهوم در اندیشه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک از جمله امیل دورکیم، جورج زیمل، فردیناند تونیس، ماکس وبر و غیره و همچنین جامعه‌شناسان معاصر چون تالکوت پارسونز، آنتونی گیدنز، کلاوس اوفه، پیوتر زتومکا، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما، رابرت پاتنام و غیره وجود داشته است. این جامعه‌شناسان در طرح مباحث و نظریات جامعه‌شناسی به مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. اعتماد اجتماعی از مفاهیمی است که در نزد این صاحب‌نظران از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هر یک سعی داشته‌اند تا از زاویه‌ای خاص به بررسی آن پردازند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که با توجه به اینکه مفهوم اعتماد اجتماعی، مفهومی پیچیده همانند سایر پدیده‌های اجتماعی است، لذا هر یک از نظریات ارائه شده در صدد تبیین و تحلیل بخشی از فضای مفهومی اعتماد اجتماعی بوده و این نظریات از جامعیت لازم برخوردار نبوده‌اند. هر چند که هر یک توانسته‌اند به صورتی و از یک منظر مسئله اعتماد را به تصویر بکشند. به طور کلی نظریات ارائه شده در مورد اعتماد را می‌توان به سه دسته سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان تقسیم نمود.

در سطح خرد که به اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا توجه دارد، هدف این است که عوامل فردی و خرد مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. صاحب‌نظران سطح خرد با تاکید بر کنش به عنوان سطح مطالعه به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. نظریه پردازانی مانند اریکسون، جیمز کلمن، پیتر و بلاو و جانسون در این سطح به مطالعه اعتماد پرداخته‌اند. در سطح میانی صاحب‌نظرانی مانند آنتونی گیدنز قرار دارند که معتقد است در نظام‌های پیش از مدرن اعتماد از نوع پایبندی چهره دار و مبتنی بر هم‌حضور بوده است. در حالی که در مدرنیته و جهان مدرن امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیر شخصی به دیگران ناشی از ماهیت رشد‌یابنده نظام‌های انتزاعی می‌باشد. وجه عمده اعتماد در دوران مدرنیته، پایبندی بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۶۸). در سطح کلان نظریه پردازان مانند امیل دورکیم، تالکوت پارسونز، رونالد اینگلهارت، فردیناند تونیس، فرانسیس فوکویاما و غیره سعی کرده‌اند تا با تاکید بر ساخت اجتماعی جامعه، به مطالعه اعتماد اجتماعی پردازند. این نظریه

پردازان در بررسی و تحلیل اعتماد اجتماعی « سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته اند و اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می کنند (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۹). در ادامه به بررسی نظریات تونیس (سطح کلان) و گیدنز (سطح میانی) پرداخته می شود که در این تحقیق از نظریات آن ها در چارچوب نظری و مدل تحلیلی استفاده شده است.

فردیناند تونیس^۱ بر اساس ساختارهای اجتماعی و چگونگی روابط متقابل اجتماعی در بین اعضای جامعه، دو نوع جامعه گمین شافت (اجتماع^۲) و گزل شافت (جامعه^۳) را از همدیگر تفکیک می کند. از نظر وی در همه جوامع می توان عناصری را از گمین شافت^۴ و گزل شافت^۵ مشاهده نمود. «استدلال تونیس از این قرار است که در اجتماعات گمین شافت «ما» بر «من» تفوق دارد. خصوصیت گمین شافت، زندگی صمیمانه، خصوصی و انحصاری با دیگران است. در اجتماع، آدمی از بدو تولد مقید به رعایت همه قواعد اجتماع است. بر خلاف آن در گزل شافت فردگرایی و رابطه پولی خصوصیت اصلی است. جهان گزل شافت جهان هابزی است و آدمی دیگران را به عنوان عنصری از اعضای اجتماع خود نمی پذیرد، بلکه به آنان چونان ابزاری در راه رسیدن به مقصود خویش می نگرد.» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

از نظر تونیس روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمین شافت وجود دارد. اعتماد یک غایت است که درون متن اجتماعی^۶ و اقتصادی گمین شافت اتفاق می افتد و روابط مبتنی بر اعتماد و مردم قابل اعتماد تنها در اجتماع طبیعی مشاهده می گردد. یک فرد به اعضای خانواده و دوستانش اعتماد می کند چرا که احساس او بر اساس مشابهنه ها و فهم و تایید متقابل است و این فرآیند به طور دائمی به کمک فعالیت ها و تجارب مشترک تقویت می شود. اعتماد مبنای انسجام اجتماعی است که از سوی ارزش های دینی و اخلاقی تقویت شده و آن نیز به نوبه خود روابط اعتماد را تسهیل کرده و به افزایش همبستگی اجتماعی کمک می کند. در جوامع سنتی یا گمین شافت اعتماد مانند احترام و حس تعلق شخصی، فضیلتی برای افراد است، در حالی که در جوامع گزل شافت اعتماد غیر شخصی و رسمی است. در اندیشه تونیس «رقابت عنصری است که به صورت فعال در گزل شافت که روحیه فردگرایی بر آن حاکم است جریان دارد. چون هر فرد تنها و تک افتاده است و وضعیت تنش و تعارض در برابر یکدیگر بر افراد حاکم است. حوزه های فعالیت و قدرت از یکدیگر به شدت تفکیک شده اند، به گونه ای که هر فرد دیگری را طرد می کند و دخالت و ورود در حوزه های دیگران به عنوان تعارض و یا اعمالی خصمانه تلقی می شود.» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵۶). در جامعه گزل شافت نوعی اراده نزدیک به عقلانیت هدفمند ابزاری وجود دارد. تونیس معتقد است روابط گزل شافت بر اساس عدم اعتماد دو طرفه و فردگرایانه است و در این نوع اجتماع هر کس به فکر خویش است و فرد از برقراری ارتباط با دیگران امتناع می نماید. آیزنشتاد معتقد است که «مهمترین مساله نظم اجتماعی برای افرادی چون دورکیم و تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است.» (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. در جامعه گزل شافت که همبستگی اجتماعی افراد ارگانیکی است بدون توجه به اعتماد اجتماعی، حفظ، موجودیت و پایداری نظم

^۱ -Ferdinand Tonnies

^۲ - Community

^۳ - Society

^۴ - Gemeinschaft

^۵ - Gesellschaft

^۶ - Social Context

اجتماعی امری غیر ممکن خواهد بود. به طور خلاصه در جامعه گمین شافت نوع اعتماد متقابل شخصی حاکم است و انسجام اجتماعی از نوع انسجام مکانیکی و خود به خودی و همچنین همبستگی شخصی و عاطفی و روابط عام گرایانه در جامعه حاکم است. اما در جامعه گزل شافتی انسجام ارگانیکی بوده که اعتماد انتزاعی مد نظر آن است. نوع همبستگی ابزاری و ارگانیکی بوده و روابط خاص گرایانه مبتنی بر سود و منفعت شخصی در جامعه حاکم است. به عبارت دیگر در جامعه گمین شافتی اعتماد عینی^۱ و در جامعه گزل شافتی، اعتماد ذهنی^۲ حکمفرماست. بر اساس تئوری تونیس می توان گفت که در جوامع گزل شافت، میزان اعتماد اجتماعی کاهش می یابد.

از نظر گیدنز جوامع امروزی برای پیشرفت نیازمند مفهوم اعتماد هستند. مفهوم اعتماد تنها به معنای اعتماد به یک شخص خاص نیست بلکه شامل سازمانها و نهادهای بزرگتر، از جمله نظام های تخصصی می گردد. به طوری که این گونه روابط در گذشته بدین وسعت و گستردگی وجود نداشته است. اعتماد به شیرازه زمان و مکان مربوط می شود. زیرا اعتماد یعنی ضمان و تعهد دادن به شخص، گروه و یا نظام در طول زمان آینده. اعتماد به صورت های گوناگون و در سطوح مختلف شالوده های بسیاری از تصمیم گیری های روزمره ما را تشکیل می دهند، اما اعتماد داشتن همواره حاصل تصمیم گیری های آگاهانه نیست. تمایل به اعتماد، در ارتباط با موفقیت های خاص، اشخاص یا نظام ها و حتی در سطحی وسیع تر، مستقیماً با امنیت روانی افراد و گروه ها مرتبط است. گیدنز اعتماد را چنین تعریف می کند: اطمینان از اعتمادپذیری اشخاص یا نظام ها با توجه به یک رشته معین از پیامدها یا رویدادها، جایی که این اطمینان ایمان به صداقت یا عشق دیگری و یا صحت اصول انتزاعی (دانش فنی) را بیان می دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴). اعتماد نه تنها کلا در جوامع نوین اهمیت زیاد دارد، بلکه برای نشانه های نمادین و نظام های تخصصی که در خدمت زندگی بی ریشه در جهان نوین به کار می روند، نیز مهم است. برای مثال، برای آن که اقتصاد پولی و نظام حقوقی در جامعه کارآیی داشته باشد، افراد جامعه باید به آن ها اعتماد داشته باشند (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۶۸).

اعتماد به معنای جهش در فضای تعهد است و به عبارت دیگر اعتماد نوعی کیفیت ایمانی کاستی پذیر است که به طور خاص با غیب در زمان و مکان و یا بی خبری پیوندهای زیادی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۸). از نظر وی اعتماد، نوعی پدیده عام و حیاتی در توسعه شخصیت است که با دنیایی مرکب از تکه برداری^۳ های گوناگون و نظام های مجرد^۴ نیز پیوستگی هایی خاص و ممتاز دارد. اعتماد در جلوه های عمومی خود به طور مستقیم مرتبط با دستیابی به نوعی احساس امنیت وجودی^۵ است. علاوه بر این اعتماد، وسیله ای است برای تعامل با نظام های مجردی که در عین حال هم زندگی روزمره را از محتوای سنتی خود تهی می کند و هم تاثیرات جهانی را فعال تر می سازند. در این جا اعتماد مولد همان جهش به عمق ایمان و اطمینان است که تعهدات عملی بدان نیاز دارند. اعتماد، ضرورتی اساسی برای پيله محافظتی^۶ است که خود در رویارویی با واقعیت های روزانه بدان احتیاج دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۸).

1 - Objective Trust

2 - Subjective Trust

3 - Disembedding

4 - Abstract Systems

5 - Ontological Security

6 - Protective Cocoon

نظریه پردازانی مانند گیدنز، بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالیکه کنشگر می تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه ها و شایستگی های او) می تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرایند می توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام های تخصصی^۱ می نامد. یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد. (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

اعتماد بنیادین^۲ به طرز ریشه ای با شکل گیری مفاهیم زمان و مکان بین اشخاص مختلف ارتباط دارد. این نوع اعتماد، اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران است که از تجربیات نخستین مراحل زندگی سرچشمه می گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۲۳). استقرار اعتماد بنیادین شرط اساسی تدارک هویت شخصی است و برای ایجاد ارتباط بین زندگی روزمره و ظواهر عادی فرد اهمیت اساسی دارد. اعتماد به جدایی زمان و مکان ارتباط دارد، زیرا نیازی به اعتماد به کسی که فعالیت هایش در معرض دیدن نداریم پس اعتماد تمهیدی برای تطبیق با آزادی های دیگران است اما شرط اصلی مورد نیاز برای اعتماد نه فقدان قدرت، بلکه کمبود اطلاعات کامل است (گیدنز، ۱۹۹۰)

از نظر گیدنز اعتماد شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی است و از مولفه های مدرنیت می باشد. در فرهنگ های سنتی چهار زمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان شناسی مذهبی یا دین در ارتباط با اعتماد غالب هستند. طبق نظر گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می داند که رابطه ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. حفظ اصالت رابطه خودمانی و صمیمانه ایجاب می کند که همان توازنی که در روابط خودمانی بین خودمختاری و در دیگر حل شدن لازم است، در اینجا هم مراعات گردد. نکته مهم در ساختن و پروراندن اعتماد در رابطه های ناب آنست که هر کس باید شخص دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم بعضی از پاسخ های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط نماید. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۱). گیدنز اعتماد را در جوامع دوره پیش از مدرن^۳ و دوره مدرن^۴ نه تنها متفاوت، بلکه در تضاد با یکدیگر می داند. به عبارت دیگر، می توان برای فرهنگ هر یک از این جوامع، از محیط های اعتماد و محیط های مخاطره یاد کرد. در دوره پیش از مدرن، اعتماد محلی^۵ از اهمیت زیادی برخوردار بوده که این امر زمینه عمومی و جهت گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت

^۱ - Expert systems

^۲ - Basic Trust

^۳ - Pre modern

^۴ - Modern

^۵ - Local Trust

گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز دارای ویژگی از جاکندگی^۱ یا بی ریشگی در دنیای مدرن هستند.

در جوامع پیش از مدرن فاصله زمان و مکان در مقایسه با جوامع مدرن پایین تر بوده و لذا اعتماد و مخاطره^۲ در شرایط محلی مکان قابل طرح و بررسی است. «در همه فرهنگ های پیش از مدرن سطح فاصله گیری زمانی- مکانی در مقایسه با شرایط مدرنیت^۳ به نسبت پایین است. امنیت وجودی^۴ در جهان پیش از مدرن را اساساً باید در رابطه با محیط های اعتماد و انواع صورت های خطر یا مخاطره ای که در شرایط محلی مکان وجود دارند، درک کرد. اعتماد به خاطر پیوند ذاتی اش با عدم حضور، به شیوه های سازماندهی همکنش های قابل اعتماد^۵ در پهنه زمان و مکان، همیشه وابسته است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام می گیرد. پژوهش های پیمایشی بر ساختن فرضیه ها و شناخت روابط بین متغیرها توجه دارد. این نوع پژوهش بر خلاف روش آزمایش که در آن متغیرها با ملاحظات از سوی پژوهشگر تنظیم و دستکاری می شود، تفاوت داشته و پژوهشگر متغیرهایی را برای سنجش و میزان روایی و اعتبار انتخاب می کند. لذا این نوع تحقیق به مطالعه نمونه های آماری که از جامعه اصلی با روشهای خاصی انتخاب و گزینش می شود، می پردازد. تحقیق پیمایشی یا زمینه یابی، جمعیت های بزرگ را با انتخاب و مطالعه نمونه های منتخب از آن جامعه ها برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل روان شناختی و جامعه شناختی مورد بررسی قرار می دهد. (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۷۷). برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری تلفیقی از شیوه تصادفی ساده و روش نمونه گیری سهمیه ای است. جهت بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره و در نهایت برای شناخت میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده شد. داده ها پس از جمع آوری، ویرایش و پردازش نهایی، توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

در بحث اعتبار^۶ از اعتبار صوری استفاده شده که این اعتبار مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان است. منظور آن است که اعتبار شاخص ها یا معرف های پژوهش از طریق مراجعه به داوران تعیین می شود. (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۴۲). منظور از قابلیت اعتماد علمی (روایی)، حصول نتایج مشابه در تکرار اعمال قبلی است (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۴۶). بنابراین روایی^۷ میزان دقت ما را در سنجش نشان می دهد. در تحقیقات پیمایشی معمولاً از روش آلفای کربناخ استفاده می شود. در این تحقیق برای تعیین روایی انواع اعتماد (بنیادین، تعمیم یافته و انتزاعی) و همچنین گزل شافتی بودن جامعه، پیش آزمونی^۸ از ۳۰ نفر از ساکنان شهر ساری به طور تصادفی صورت گرفته است. میزان آلفای کربناخ نهایی آن ها که میزان همبستگی بین گویه ها را نشان می دهد به صورت جدول زیر است:

^۱ - Disembedment

^۲ - Risk

^۳ - Modernity

^۴ - Ontological Security

^۵ - Trustworthiness

^۶ - validity

^۷ - Reliability

^۸ - pre-test

جدول ۱: میزان روایی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب روایی (آلفا کرنباخ)
اعتماد بنیادین	۹	٪۶۸
اعتماد تعمیم یافته	۱۰	٪۷۸
اعتماد انتزاعی	۸	٪۷۲
گزل شافنی بودن جامعه	۱۲	٪۸۸

فرضیه های تحقیق

۱. اعتماد بنیادین در جامعه مورد مطالعه ضعیف تر از سایر انواع اعتمادهاست.
۲. هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود.
۳. گزل شافنی بودن جامعه، به همان نسبت کاهش اعتماد را به دنبال دارد.

تعریف متغیرها:

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان های اجتماع با همدیگر تبلور می یابد. اعتماد به عنوان یک پدیده اجتماعی متغیری است که از میزان اطمینان یا مطمئن بودن به اشخاص، افراد، الگوها، ساختارها و نقش های اجتماعی بر می آید. بنابراین اعتماد یعنی یکرنگی و صمیمیت در اعمال و گفتار طرف مقابل. آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکا بر ماهیت^۱ یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته ای تعریف می کند (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۱۱). آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفته ای تعریف می کند و دارای سه نوع یا سه گویه اعتماد بنیادی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد انتزاعی است. خودیاکوف (۲۰۰۷) نیز تقریباً این سه دسته را بیان کرده است. تعریف اعتماد ساده نیست و در منابع مختلفی به آن پرداخته شده است. با این وجود اعتماد با مفاهیمی مانند یکدلی، معامله به مثل، احترام، انسجام، مدارا و برادری در ارتباط است (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۳). اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته، اعتماد ما به دیگران مانند اعضای خانواده، همسالان، همسایه ها، حکومت و سازمان های اجتماعی را در بر می گیرد (گلیسر، ۲۰۰۰، نیوتن، ۲۰۰۱ و دلی، ۲۰۰۲).

برای سنجش اعتماد اجتماعی از گونه هایی در ارتباط با اعتماد بین فردی (اعتماد بین شهروندان) و اعتماد نهادی (اعتماد مردم به دستگاههای اجرایی دوست) و میزان خود اعتمادی که بیانگر میزان اعتماد افراد به خود است، استفاده می شود. به طور کلی اعتماد به سه دسته تقسیم می شود:

۱- **اعتماد بنیادی:** نگرشی است که فرد به خود و دنیای پیرامونش دارد. این نگرش حاصل تجربیات شخصی فرد در سال های ابتدایی زندگی است. این نوع از اعتماد در مراحل اولیه اجتماعی شدن نضج گرفته و تعمیم می یابد و با شاخص هایی چون داشتن آرامش و امنیت در کنار خانواده و دوستان، نگرش مثبت نسبت به زندگی، آینده و دیگران، داشتن رضایت شغلی عملیاتی شده است.

۲- **اعتماد بین شخصی (اعتماد اجتماعی تعمیم یافته):** در این نوع از اعتماد، فرد با توجه به شناختی که از دیگران دارد به آن ها اعتماد می کند. به عبارت دیگر در اعتماد متقابل بین شخصی، فرد متکی به اطلاعاتی است که از شخص دیگری به

^۱ - Sincerity

^۲ - Nature

دست آورده است. از طریق شاخص هایی چون اعتماد به همکاران، شهروندان، هموطنان، نزدیکان و آشنایان و تعهد داشتن به افراد خارجی می توان این نوع از اعتماد را عملیاتی نمود.

۳- **اعتماد انتزاعی:** از نظر گیدنز « افرادی که دارای زندگی صنعتی، تحصیلات دانشگاهی عالی، شهرنشین، طبقه مرفه و متوسط به بالا هستند، دارای اعتماد انتزاعی بالا می باشند» (گیدنز، ۱۳۸۳). این اعتماد با شاخص هایی چون اعتماد به نهادها و سازمانها یا گروه های مختلف یک جامعه مانند قضاوت، پزشکان، وکلا، پلیس، هنرمندان و غیره عملیاتی می شود.

گزل شافتی بودن جامعه، به جامعه ای گفته می شود که آدم ها در روابط با دیگران تنها به خاطر دلایل صرفاً ابزاری وارد عمل می شوند. تونیس معتقد است که «روابط گزل شافت بر اساس عدم اعتماد دو طرفه و فردگرایانه است و در این نوع اجتماع هر کسی به فکر خویش است و افراد از برقراری ارتباط با یکدیگر امتناع می کنند» (گی روشه، ۱۳۷۶: ۴۳). گزل شافتی بودن با شاخص هایی چون فردگرایی، رقابت، در اولویت بودن انجام وظیفه، پنهان کاری فردی، انسجام ارگانیکی و غیره عملیاتی شده است.

پایگاه اقتصادی اجتماعی برای پاسخگویان با معرف های سواد، شغل و درآمد و هزینه های خانوار تعریف و مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته ها و نتایج پژوهش

نتایج نشان می دهد که میانگین اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه در بین افراد ۱۰۶/۸ بوده است. کمترین و بیشترین مقدار اعتماد اجتماعی ۵۵ و ۲۶۱ می باشد و تفاضل یا دامنه تغییرات اعتماد اجتماعی ۲۰۶ است. با استفاده از چارک ها و توزیع چارکی میزان اعتماد اجتماعی بررسی شده است تا مشخص گردد که چه تعداد از افراد مورد مطالعه از کمترین و چه تعداد از بیشترین میزان اعتماد اجتماعی برخوردار هستند.

جدول ۲: چارک نمرات اعتماد اجتماعی

چارک	فراوانی	فراوانی نسبی	نمره میزان اعتماد اجتماعی
چارک اول	۸۲	۲۵/۶	کمتر از ۳۰/۳
چارک دوم و چارک سوم	۱۶۱	۵۰/۳	۳۰/۴ تا ۳۶
چارک چهارم	۷۷	۲۴/۱	بیشتر از ۳۶/۱
جمع	۳۲۰	۱۰۰	----

تعداد افرادی که در چارک چهارم (اعتماد اجتماعی بالا) و چارک اول (اعتماد اجتماعی پایین) قرار دارند به نسبت کمتر از تعداد افرادی است که در چارک دوم و سوم (اعتماد اجتماعی متوسط) قرار دارند. ۵۰/۳ درصد افراد اعتماد اجتماعی نسبتاً متوسطی دارند، ۲۵/۶ درصد از اعتماد اجتماعی پایین و ۲۴/۱ درصد نیز اعتماد اجتماعی بالایی در جامعه مورد مطالعه دارند. در تحقیقی دیگر اعتماد اجتماعی که به صورت طیف لیکرت و با چند گویه سنجیده شده است در حد بالایی بوده چرا که ۵۸/۱ درصد پاسخگویان آن را زیاد و خیلی زیاد می دانند. همچنین بین اعتماد اجتماعی و توسعه فرهنگی در استان مازندران رابطه معناداری وجود داشته بدین معنا که هر چه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، توسعه فرهنگی در جامعه بیشتر خواهد بود. بین این دو متغیر رابطه مستقیمی وجود داشته و هر دو آماره (کندال تائو، اسپیرمن) با احتمال بیش از ۹۵ درصد معنادار بوده است (رحمانی و حیدرآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۸ و ۲۳۱).

جدول ۳: مقادیر میانگین و انحراف معیار گونه های اعتماد اجتماعی

متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
اعتماد بنیادین	۱۶/۸۳	۵	۱۶۶	۱۹/۱۵
اعتماد تعمیم یافته	۱۵/۰۵	۸	۲۱	۲/۰۸
اعتماد انتزاعی	۷۴/۹	۳۴	۲۳۴	۳۸/۷۸
اعتماد اجتماعی	۱۰۶/۸	۵۵	۲۶۱	۴۲/۵۱
گزل شافتی بودن جامعه	۷۰/۶	۴۸	۱۷۸	۱۰۴/۲۱

در این تحقیق متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی در سطح سنجش ترتیبی و متغیرهای دیگر در سطح سنجش فاصله ای مجازی مورد سنجش و اندازه گیری قرار گرفته اند. با توجه به ضرایب همبستگی اسپیرمن، کندال و ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته می توان گفت که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و اعتماد اجتماعی همبستگی وجود نداشته است، اما بین متغیرهای اعتماد بنیادین، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد انتزاعی و گزل شافتی بودن جامعه با متغیر وابسته اعتماد اجتماعی همبستگی و رابطه معنادار، مستقیم و مثبت وجود داشته است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با اعتماد اجتماعی

متغیر	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	رابطه یا عدم رابطه
پایگاه اقتصادی اجتماعی	اسپیرمن	-۰/۰۶۱	۰/۲۷۶	رابطه وجود ندارد
پایگاه اقتصادی اجتماعی	کندال تابی	-۰/۰۵۲	۰/۲۸۰	رابطه وجود ندارد
اعتماد تعمیم یافته	پیرسون	۰/۶۰۸	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد
اعتماد بنیادین	پیرسون	۰/۵۵۶	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد
اعتماد انتزاعی	پیرسون	۰/۵۹۵	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد
گزل شافتی بودن جامعه	پیرسون	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که ۸۰/۶ درصد تغییرات متغیر اعتماد اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. به عبارتی دیگر با توجه به مقدار ضریب تعیین تنها ۲۰ درصد تغییرات اعتماد اجتماعی تبیین نشده و به عوامل دیگری بستگی دارد. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۸۹/۸ درصد بوده که شدت رابطه بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای مستقل را نشان می دهد و مقدار آن بالا است.

جدول تجزیه واریانس نیز معنی دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می کند. ضرایب رگرسیونی به منظور پیش بینی مقدار متغیر وابسته اعتماد اجتماعی در معادله رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرد. در این جدول خطای استاندارد، مقادیر استاندارد شده بتا، مقادیر آزمون t و سطح معناداری تک تک متغیرها مشاهده می شود. همان طوری که مقدار سطح معناداری^۱ نشان می دهد، تنها اثر پایگاه اقتصادی اجتماعی معنی دار نشده و اثرات سایر متغیرها معنادار بوده و اثر زیادی در پیشگویی و پیش بینی متغیر وابسته داشته اند. مقادیر بتا نشان می دهد که متغیرهای اعتماد تعمیم یافته، اعتماد انتزاعی، اعتماد بنیادین و گزل شافتی بودن جامعه به ترتیب بیشترین تاثیر را بر اعتماد اجتماعی دارند.

^۱ - significant level

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیونی

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۱/۰۸۹	۰/۱۵۱	---	-۷/۲۰۲	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	-۰/۰۰۴	۰/۰۴۰	-۰/۰۰۲	-۰/۰۹۴	۰/۹۲۵
اعتماد بنیادین	۰/۴۵۳	۰/۰۲۸	۰/۴۱۲	۱۶/۱۹۲	۰/۰۰۰
اعتماد انتزاعی	۰/۴۳۱	۰/۰۲۶	۰/۴۳۶	۱۶/۷۹۲	۰/۰۰۰
اعتماد تعمیم یافته	۰/۴۴۸	۰/۰۲۵	۰/۴۶۱	۱۸/۱۲۶	۰/۰۰۰
گزل شافتی بودن جامعه	۰/۱۱۰	۰/۰۲۴	۰/۱۲۰	۴/۶۲۲	۰/۰۰۰
	$R^2 = ۰/۸۰۶$	$F = ۲۶۷۵$		$Sig = ۰/۰۰۰$	

جدول ۶: مقایسه میانگین گونه های اعتماد اجتماعی با آزمون دانکن و شفه

آزمون شفه		آزمون دانکن			
سطح معناداری	اختلاف میانگین	متغیر	میانگین گروه ۲	میانگین گروه ۱	متغیر
۰/۰۰۰	-۵۸/۰۷	اعتماد بنیادین - اعتماد انتزاعی	---	۱۵/۰۵	اعتماد تعمیم یافته
۰/۶۶۵	۱/۷۸	اعتماد بنیادین - اعتماد تعمیم یافته	---	۱۶/۸۳	اعتماد بنیادین
۰/۰۰۰	۵۹/۸۵	اعتماد تعمیم یافته - اعتماد انتزاعی	۷۴/۹	---	اعتماد انتزاعی

در جامعه مورد مطالعه گونه های اعتماد با همدیگر تفاوت داشته و از میانگین یکسانی برخوردار نیستند. میانگین اعتماد بنیادین ۱۶/۸، اعتماد تعمیم یافته ۱۵/۰۵ و اعتماد انتزاعی ۷۴/۹ بوده است. برای مقایسه انواع اعتمادها در جامعه از مقایسه میانگین و آزمون F استفاده شده است که مقدار آن با سطح معناداری (Sig= ۰/۰۰۰) معنادار بوده و تفاوت بین میانگین انواع گونه های اعتماد وجود دارد. جهت سنجش دقیق تر اختلاف بین گونه های اعتماد اجتماعی از آزمون های شفه و دانکن استفاده شده است. آزمون شفه نشان می دهد که اختلاف بین اعتماد بنیادین و اعتماد انتزاعی و همچنین اعتماد تعمیم یافته و اعتماد انتزاعی معنادار بوده اما اختلاف معناداری بین میانگین اعتماد بنیادین و اعتماد تعمیم یافته مشاهده نمی شود. در آزمون دانکن نیز نتایج همانند آزمون قبلی بوده بدین صورت که اعتماد تعمیم یافته و اعتماد بنیادین تفاوت معناداری با همدیگر نداشته و در یک گروه جای گرفته اند. اما اعتماد انتزاعی با آن ها متفاوت بوده و جداگانه در گروه دیگری دسته بندی شده است.

نتیجه گیری

۱- فرضیه اول: اعتماد بنیادین در جامعه مورد مطالعه ضعیف تر از سایر انواع اعتمادهاست. این مطالعه نشان می دهد که در جامعه مورد مطالعه میزان اعتماد بنیادین کمتر از سایر گونه های اعتماد نیست. به عبارت دیگر میانگین اعتماد بنیادین بیشتر از اعتماد تعمیم یافته ولی کمتر از اعتماد انتزاعی است، که در نتیجه این فرضیه رد می شود. اعتماد بنیادین نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می سازد و موجب تقویت تفکری می گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر استمرار و ثبات آن صحنه می گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی (شیرخوارگی) انسان شکل می گیرد. آنتونی گیدنز از اعتماد بنیادی تحت عنوان امنیت هستی شناختی یاد می کند. منظور از امنیت هستی شناختی اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار

هویت خود و محیط های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد گیدنز امنیت هستی شناختی یک پدیده شناختی نیست، بلکه یک پدیده احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد.

در این پژوهش اعتماد تعمیم یافته در مقایسه با سایر گونه های اعتماد اجتماعی ضعیف تر است. اعتماد بین شخصی یا اعتماد تعمیم یافته شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود رانشان می دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات موثر را موجب می شود. این اعتماد حوزه ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و غیره را در بر می گیرد.

از نظر آنتونی گیدنز در جوامع پیش از مدرن و جوامع مدرن نوع اعتمادها متفاوت از یکدیگر است. اعتماد از مهمترین ویژگی های مورد نیاز در ایجاد ارتباط میان انسان هاست و با تغییر جوامع سنتی و تبدیل شدن آن ها به جوامع مدرنی که دیگر روابط چهره به چهره و ویژگی غالب آن نیست، شکل گیری اعتماد نیز تغییر کرده است. در جوامع سنتی و قدیمی به علت این که زمان و مکان محدود و بسته بوده و روابط نیز حالت شخصی، رودررو و چهره به چهره است، در نتیجه در همه روابط اعتماد وجود داشته است. اما در جوامع جدید به خاطر گستردگی و فاصله گیری زمان و مکان و از بین رفتن سدهای زمانی و مکانی برای ارتباط و روابط افراد با همدیگر، اعتمادها کم رنگ تر و حضورشان برای برقراری روابط اجتماعی ضروری تر شده است.

در شهر ساری اعتماد بنیادین و اعتماد بین شخصی یا تعمیم یافته پایین بوده و در مقابل اعتماد انتزاعی در سطح بالایی وجود داشته است. به عبارت دیگر بنا به دلایل مختلفی از جمله افزایش سطح تحصیلات، گسترش فرهنگ شهرنشینی، ارتباطات، زندگی پیچیده و با ارزش بودن زمان می توان شاهد جلوه های مدرنیته در این شهر بود که در نتیجه آن جهت سهولت در زندگی و افزایش نظم و همبستگی اجتماعی مردم نیاز به افزایش اعتماد انتزاعی یا اعتماد به نظام های تخصصی دارند. اعتماد به نظام های انتزاعی بیانگر اعتماد افراد به اصول غیر شخصی است و با پیشرفت های علمی و تکنولوژیک عصر جدید ارتباط تنگاتنگی دارد. می توان اذعان داشت که در شهر ساری اعتماد به نظام های انتزاعی، مجرد و تخصصی به عنوان وسیله تثبیت روابط، تقریباً شکل گرفته که این امر در راستای پهنه های نامشخص زمانی و مکانی صورت می گیرد. در جوامع سنتی و روستایی این گونه اعتماد (اعتماد انتزاعی) قابل شکل گیری نبوده و سنت گرایی در آن ها رواج داشته است. در مجموع نوعی اعتماد که خاص جوامع صنعتی و مدرن بوده و نشان دهنده اعتماد به غریبه ها و نیز اعتماد به نهادها و سازمان های اجتماعی است در شهر ساری وجود دارد. با توجه به این توضیحات می توان گفت در جامعه مورد مطالعه اعتماد انتزاعی و تخصصی در مقایسه با سایر گونه های اعتماد از رواج بیشتری برخوردار است.

۲- فرضیه دوم: هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی کندال تابی و اسپیرمن و سطح معناداری آن بین دو متغیر فوق رابطه معناداری وجود ندارد. پایگاه اقتصادی اجتماعی تاثیری بر اعتماد اجتماعی نداشته است که در تحلیل رگرسیون و مدل تحلیل مسیر نیز می توان شاهد رد شدن این فرضیه بود.

ز نومکا معتقد است که آن‌هایی که در پله‌های پایین پایگاه اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته‌اند، در آن‌ها بی‌اعتمادی و بدبینی بیشتری به وجود می‌آید. داشتن شغل مناسب و باثبات و همچنین برخورداری از آموزش و تحصیلات که مهمترین معرف‌های پایگاه اقتصادی اجتماعی به شمار می‌روند، نقش مهمی در ایجاد و افزایش اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه دارند. قاعدتا در بین افراد بیکار و با سطح تحصیلات پایین که از موقعیت اقتصادی اجتماعی مناسبی هم برخوردار نیستند، میزان اعتماد اجتماعی کم می‌باشد.

گیدنز معتقد است که در جوامعی که افراد در طبقات مرفه و بالا و همچنین دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی و سطح تحصیلات بالا بوده‌اند، اعتماد انتزاعی بالا بوده است. مدل تحلیل مسیر و ضرایب مسیر ارائه شده در شکل ۱ نیز کاملاً این نکته را تایید می‌کند ولی پایگاه اقتصادی اجتماعی تأثیری بر اعتماد اجتماعی افراد در جامعه مورد مطالعه نداشته است.

۳- فرضیه سوم: گزل شافتی بودن جامعه، به همان نسبت کاهش اعتماد را به دنبال دارد. با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی این فرضیه اثبات شده است و بین دو متغیر ارتباط و همبستگی وجود دارد. بر اساس نظریات تونیس در جوامع گمین شافت روابط مبتنی بر اعتماد وجود داشته است چرا که فرد به اعضای خانواده و دوستانش اعتماد دارد. اما در جوامع جدید و مدرن که جامعه دارای روابط غیر شخصی است افراد نمی‌توانند مورد اعتماد قرار گیرند و کمتر می‌توانند ادعای داشتن اعتماد به همدیگر را داشته باشند. در نتیجه در جامعه گزل شافتی که روابط افراد بیشتر بر اساس ویژگی‌های مبتنی بر منفعت اقتصادی و پابندی به قراردادها و تعهدات است، اعتماد اجتماعی بیشتر احساس می‌شود. اعتماد اجتماعی به عنوان موثرترین مکانیزم در برقراری و پذیرش تعادل و توافق در جامعه در صورتی می‌تواند مفید و مثمر ثمر باشد که فقط فیما بین افرادی که با هم روابط چهره به چهره دارند، محدود نشود، در روابط شخصی، خانوادگی، گروهی، قومی، ملی و حتی بالاتر گسترش یابد و از طریق جامعه پذیری یا فرهنگ پذیری در ساختارها و نهادهای مختلف جامعه تأیید و تکثیر شود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ پنجم، تهران.
۲. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. او جاقلو، سجاد و زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۴) بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ص ۹۲-۱۲۵.
۴. پهلوان، منوچهر (۱۳۸۵) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر ارزش‌های جوانان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر غلامعباس توسلی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران
۵. چلیبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، چاپ اول، تهران
۶. ربیعی، کامران (۱۳۸۴) بازی یک نفره، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۸۹، اسفند ۱۳۸۴
۷. رحمانی فیروزجاه، علی و حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۸) رویکردی نظری بر مفهوم سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سرمایه اجتماعی چالش‌ها و راهکارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهقان
۸. رحمانی فیروزجاه، علی و حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۸) بررسی ارزش‌های اجتماعی موثر بر توسعه فرهنگی در استان مازندران، همایش منطقه‌ای راهبردهای توسعه منطقه‌ای نور در افق ۱۴۰۴، دانشگاه آزاد اسلامی نور.
۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲) آنا تومی یا آشفستگی جامعه، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران
۱۰. ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، انتشارات علمی، تهران.

۱۱. ز. تومکا، پیوتر (۱۳۸۶) اعتماد نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، انتشارات تیرازه، چاپ اول، تهران
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) روش های تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم، تهران.
۱۳. شارع پور، محمود و دیگران (۱۳۸۶) رتبه بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استانهای کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶
۱۴. شارع پور، محمود (۱۳۸۰) فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه شناسی، سال اول، شماره یک
۱۵. عظیمی، لیلا و ادریسی، افسانه (۱۳۸۶) اعتماد اجتماعی عاملی در پیشرفت جامعه، مجموعه مقالات همایش منطقه ای سرمایه اجتماعی چالش ها و راهکارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهاقان
۱۶. کرلینجر، فرد (۱۳۷۶) مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و دیگران، انتشارات آوای نور، چاپ اول.
۱۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ پنجم، تهران
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ سوم.
۲۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) چشم اندازهای جهانی، ترجمه حمیدرضا جلالی پور، انتشارات طرح نو، تهران.
۲۲. گی روشه (۱۳۷۶) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، چاپ هفتم، تهران.
۲۳. مهندسین مشاور مازند طرح (۱۳۸۷) طرح آمایش سرزمین استان مازندران، گزارش اولیه بخش فرهنگ و سرمایه اجتماعی
۲۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) ارزش ها و نگرش های ایرانیان، دفتر طرح های ملی، ویرایش اول، تهران.

25. Coleman, James S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge, MA: Belknap

26. Delhey, J., & Newton, K. (2002). *Who trusts? The origins of social trust in seven nations*.

27. Berlin, Germany: *Social Structure and Social Reporting*, Social Science Research Center.

28. Erden, Ali, Hale Erden (2009), *Predicting organizational trust level of school managers and teachers at elementary schools*, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 1. pp 2180–2190.

29. Giddens, A. (1990), *The Consequences of Modernity*, Stanford, Calif, Stanford University press.

30. Glaeser, E. L., Laibson, D., Scheinkman, J. A., & Soutter, C. L. (2000). *Measuring trust*.

31. *Quarterly Journal of Economics*, 115(3), 811-846.

32. Khodyakov, Dmitry, (2007), *Trust as a Process: A Three-Dimensional*

33. *Approach*, *Sociology*, Volume 41, Number 1, February 2007.

34. Newton, Kenneth, (2001), *Trust, Social Capital, Civil Society, and Democracy*, *International Political Science Review*, Vol 22, No. 2, 201–214.

35. Putnam, Robert, (1995), *Bowling alone American's declining social capital*, *Journal of democracy* 6, No.1, pp65-75.

36. Sztompka, Piotr, (2003), *Trust, A Sociological Theory*, PUBLISHED BY CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS